

## بازاندیشی نقشهای جنسیتی زنانه و تعیین کننده‌های فرهنگی و

### اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر شیراز)

مهران سهراب‌زاده<sup>۱</sup>

صدیقه شعاع<sup>۲</sup>

محسن نیازی<sup>۳</sup>

مجید موحد<sup>۴</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

#### چکیده

در چند دهه اخیر زنان با به چالش کشاندن نقشهای سنتی و بازتعریف نقشهای جنسیتی در پی یافتن هویتی فراتر از نقشهای مرتبط با خانه و خانواده هستند. بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی بستگی به نگرش و عقیده در مورد آن دارد. هدف این مطالعه بررسی نگرش زنان به نقشهای جنسیتی و تبیین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر آن است که به شیوه کمی و با روشهای توصیفی، همبستگی و علی در سال ۱۳۹۸ - ۱۳۹۷ انجام شده است. در این بررسی با استفاده از ابزار پرسشنامه و براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، ۶۰۰ نفر از زنان متأهل شهر شیراز بین مناطق یازده‌گانه این شهر انتخاب شدند و پس از جمع‌آوری داده‌ها اطلاعات با نرم‌افزار SPSS با آماره‌های توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (همبستگی پیرسون، آزمون t، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره) تحلیل شد. نتایج نشان داد ۲۱/۵ درصد از پاسخگویان در زمینه‌های اجتماعی، شغلی و خانوادگی نقشهای سنتی زنانه را مهمترین نقشهای زنان دانسته‌اند؛ ۱۳ درصد با بازاندیشی زیادی در این زمینه قائل به کمترین تفاوت در نقشهای زنانه و مردانه بوده و ۶۵/۵ درصد نگرشی میانه داشته‌اند. هم‌چنین ارتباط معناداری بین متغیرهای سن، وضعیت اشتغال، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، مدت زمان ازدواج، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های ارتباطی مجازی زنان و هم‌چنین درآمد و پایگاه شغلی همسران آنها با بازاندیشی آنان در نقشهای جنسیتی وجود داشت. نتایج رگرسیون چند متغیره هم‌زمان نیز حاکی بود که تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، استفاده از اینستاگرام، تلویزیون و وضعیت شغلی همسران از مهمترین تبیین‌گرهای بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی است.

**کلیدواژه‌ها:** بازاندیشی، نقش جنسیتی، زنان، هویت، نوگرایی

sohrabzadeh@kashanu.ac

shoaae@gmail.com

niazim@kashanu.ac.ir

mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۳. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۴. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

## مقدمه

انتظارات هر فرهنگ از طریق فرایند جامعه‌پذیری به افراد منتقل می‌شود و نقش‌پذیری جنسیتی یکی از پیامدهای آشکار فرایند جامعه‌پذیری است. مفهوم نقش، معانی مختلفی دارد که یکی از رایجترین آن با رفتاری مرتبط است که افراد بر حسب پایگاه‌هایی که در جامعه دارند، ایفا می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۰۲) و با نگرش و رفتارهایی همراه است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی داده می‌شود که این پایگاه‌ها را اشتغال می‌کنند (کوزر، ۱۳۸۵: ۲۷۱). توزیع و جداسازی نقشها بر حسب جنسیت سابقه طولانی دارد. سالیان زیادی مردم در جامعه سنتی با عقاید و نگرشهای ثابت زندگی کرده‌اند. در این جوامع تغییر بسیار کمتر و در دل پارادایم سنت بوده است. بازاندیشی‌ها<sup>۱</sup> نیز نظام اجتماعی گذشته را باز تولید می‌کرد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۴).

زنان معمولاً به ایفای نقشهایی مانند خدمات خانگی، حمایت عاطفی و مراقبت از دیگر اعضای خانواده به‌منزله نقشهای اصلی می‌پرداخته‌اند و نقشهایی همچون نان‌آوری و مدیریت و رهبری در خانواده و اجتماع اغلب بر عهده مردان بوده است (بستان، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

سنتگرایی<sup>۲</sup> نقطه مقابل نوگرایی<sup>۳</sup> است و به عدم پذیرش نوآوری الگوها و شیوه‌های جدید زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود. از دیدگاه رایزن<sup>۴</sup> شخصیت سنتی، شخصیتی است که سنتها، راهنما و رهبر اوست و بی‌اندیشه و چون و چرا مقررات و نظامهای دیرین جامعه و فرهنگ خود را می‌پذیرد. انسان سنتگرا در برابر تغییرات، مقاوم است و آمادگی کسب تجربه جدید و رویارویی با افکار نو را ندارد؛ به عبارت دیگر در جامعه سنتی، انسانها از درگیر شدن با پدیده‌های جدید گریزان هستند و سعی می‌کنند با چیزهایی بسازند که خوب بودن آنها در گذر زمان و فرهنگ عمومی تأیید و تثبیت شده است (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۲۱). در این جوامع، تبعیض نسبت به زنان حاصل نظام طبیعی به‌شمار می‌رفت که وظایف و نقشهای متفاوتی را بر عهده زنان و مردان قرار داده بود (مونی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۳۲).

در مقابل در جامعه مدرن، اندیشه‌های افراد با ورود اطلاعات جدید همواره مورد بازبینی قرار می‌گیرد که در این زمینه، بازاندیشی در نقش جنسیتی از سوی زنان اهمیت زیادی دارد. نگرش

- 
1. Reflections
  2. Taraditionalism
  3. Modernism
  4. Risman
  5. Moony

زنان در جامعه مدرن درباره نقشهای جنسیتی و ارزشهای سنتی خانوادگی تغییر کرده و هویت زنان بر اثر فرایندهای جدایی‌ناپذیر<sup>۱</sup> و همسته اشتغال و افزایش آگاهی آنها پرسش برانگیز شده است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۷۲: ۸۳). این زنان در پی بازاندیشی و بازتعریف نقشهایی هستند که بر همکاری زن‌وشوهر در کارهای خانه و تربیت فرزندان مبتنی باشد. این زنان هویت‌های جاافتاده و سنتی خود را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند و برای دستیابی به راه‌های برابری جویانه‌تر تلاش می‌کنند و می‌خواهند هویتی بیش از زندگی خانگی و خانوادگی داشته باشند. عرضه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت‌آفرین و وسعت یافتن روابط اجتماعی برخی از زنان و تعامل تغییرات نهادی و ساختاری و نهضت‌های اجتماعی زنان، زمینه تفکر و بازاندیشی در ارزشها و آرمانها و نهایتاً هویت‌های شخصی و اجتماعی آنها شده است (کاستلز، ۱۳۸۲: ۱۷۷).

تحولات دهه‌های اخیر در مجموع به سمت فاصله گرفتن از الگوی سنتی است. نقش مادری و همسری به منزله نقش انحصاری زنانه، آماج چالش قرار گرفته است و شاهد رویکردهای حمایتی از حقوق زنان هستیم که بیش از همه تحت تأثیر افکار مدرنیته و فمینیستی است. فمینیست‌ها نقشهای جنسیتی را جزو کلیشه‌های جنسیتی‌ای قلمداد کرده‌اند که نظام مرد سالار آن را برای خانه‌نشین ساختن زنان، مقدس وانمود می‌کند. هم‌چنین هر روزه نقشهای شغلی و مدیریتی بیشتری برای زنان تعریف، و حضور آنها در این عرصه پررنگتر می‌شود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۸).

هدف این مطالعه شناسایی نگرش و گونه‌های بازاندیشی الگوهای نقشهای جنسیتی در حوزه‌های خانوادگی تعاملات اجتماعی و اشتغال، و بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند سن، وضعیت اشتغال، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، مدت زمان ازدواج، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های ارتباطی مجازی زنان و هم‌چنین درآمد و پایگاه شغلی همسرانشان بر بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی است.

هرچند تحقیقات گوناگونی درباره نقشهای جنسیتی صورت گرفته است در بسیاری از این مطالعات و بویژه در پژوهشهای داخلی بیشتر به متغیرهای تحصیلات و اشتغال توجه شده و عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی مرتبط به صورت جامع در نظر گرفته نشده است. در ادامه به برخی از این پژوهشها پرداخته می‌شود؛ به‌عنوان مثال باربر و اکسین<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در بررسی خود دریافتند که بین زنان با تحصیلات پایین‌تر این نگرش هست که وظیفه اصلی آنها نقش سنتی و خانگی است.

هیلمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیده است که رسانه‌های جمعی و خانواده، نقش معنادار و وضعینی در شکل‌گیری هویت دارند. فانگ و اریک<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در بررسی تقابل نقش زنان و مردان دریافته‌اند که تلویزیون تحت تأثیر فشارهای اجتماعی باعث تقویت تفکرات سنتی و کلیشه‌ای شده است. براستر و پاداویک<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در یک بررسی طولی طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۶ و پن‌لندون و سیلورستین<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیده‌اند که زنان تغییرات چشمگیری را در اعتقادات خود درباره نقشهای جنسیتی داشته‌اند. در مقابل، کاتز وایز<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) دریافته است که فرایند بازاندیشی زنان پس از دو دهه تساوی طلبی نسبت به نقشهای جنسیتی از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا حدودی تغییر یافته و این تحول جدید منعکس‌کننده تمایلات جنسی دیگری است که به نظر می‌رسد این چارچوب فرهنگی جدید مخلوطی از جذبه‌های فمینیستی جدید و نقشهای سنتی مادران است.

موری<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) نیز در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که نقشهای جنسیتی به‌عنوان توافقهایی قابل تغییر دیده می‌شود و تفاوت کمی در زمینه نگرش به نقشهای جنسیتی و سن افراد وجود دارد. کیننگام<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۵) نیز به نتایج معناداری درباره ارتباط نگرش به نقشهای جنسیتی و متغیرهای میزان تحصیلات، اشتغال، جنس، سن، وضعیت ازدواج و تحصیلات پدر و مادر و غیره دست یافته‌اند. لیائو و کال<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که اجتماعی شدن بر پایه دستیابی به تحصیلات به صورت غیرمستقیم، نگرش زنان را نسبت به نقشهای جنسیتی تغییر داده است. بریک ول<sup>۹</sup> (۱۹۹۰)، گرسون<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای در زمینه نگرش به نقشهای جنسیتی دریافته‌اند که نگرش به نقشهای جنسیتی در گروه‌های مختلف، مانند طبقات متفاوت اقتصادی و اجتماعی، گروه‌های قومی و فرهنگ‌های مختلف تا حدودی متفاوت است.

در مطالعات داخلی نیز عبداللهیان (۱۳۸۳) به این نتیجه رسیده است که زنان و مردان متعلق به گروه‌های سنی بالاتر، بیشتر پذیرای نقشهای جنسیتی سنتی هستند. ساروخانی (۱۳۸۳) دریافته است که موقعیت‌های ساختاری در مقایسه با هویت‌های شخصی در بازتعریف هویت اجتماعی زنان در

- 
1. Hilman
  2. Fung & Eric
  3. Brewster & Padvic
  4. Penn Lendon & Silverstein
  5. Katz-Wise
  6. Murray
  7. Cunningham
  8. Liao & Cal
  9. Break Well
  10. Gerson

برابر کلیشه‌های جنسیتی تأثیر بیشتری داشته و تأثیر تحصیلات بیش از اشتغال است. کلاوشکی (۱۳۸۸) نیز در نتایج یک بررسی تأثیر تحصیلات بر بازتعریف نقشهای سنتی زنان را مطرح می‌کند. شفایی مقدم (۱۳۹۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که هرچند دیدگاه‌های سنتی نسبت به تقسیم نقشهای جنسیتی هنوز پابرجاست، دیدگاه‌های برابری طلبانه رواج بیشتری یافته است. هم‌چنین وی به این نتیجه رسید که متغیرهای سن، وضعیت تأهل، پایگاه اجتماعی و مصرف رسانه‌ای با برابری گرای جنسیتی ارتباط مثبت و معنادری دارد. نتایج بررسی علیجانی (۱۳۹۴) نیز نشان داده است که نسل زنان پس از جنگ، تحت تأثیر موقعیت‌های فرهنگی و ساختاری و رویارویی با مظاهر مدرنیته، قرائت بازاندیشانه‌تری نسبت به کلیشه‌های سنتی داشته‌اند و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد در این بازاندیشی نقش مهمی ایفا می‌کند. افراسیابی و خرم‌پور (۱۳۹۴) به مطالعه بازاندیشی اجتماعی جوانان شهر یزد پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که بین زنان و مردان از نظر میزان بازاندیشی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین میزان تحصیلات و میزان درآمد با بازاندیشی رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود. هم‌چنین بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، دینداری و جهانگرایی فرهنگی با بازاندیشی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

به‌طور کلی، مفهوم بازاندیشی یکی از مفاهیمی است که رویکردهای مختلفی به آن نظر کرده‌اند. در رویکرد کارکردگرایی، لومن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، بازاندیشی را ویژگی ارتباطات انسانی می‌داند و معتقد است بازاندیشی به خود مفهوم‌سازی منجر می‌شود و به مثابه سازوکاری عمل می‌کند که به تسهیل سازگاری سامانه با محیط منجر می‌شود (ترنر، ۲۰۰۳). به عقیده گیدنز بازاندیشی یکی از سه منبع پویایی مدرنیته است و مراد از آن فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در اطلاعات درباره مسیرهای ممکن زندگی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۴). هم‌چنین بازاندیشی به سازوکارهایی در اندیشه و کنش انسانی گفته می‌شود که کنش را تنظیم و بر آن نظارت می‌کند. به نظر لانگمن<sup>۲</sup> بازاندیشی مردم را قادر می‌سازد تا جداگانه یا جمعی هویت‌های خود را تدقیق کنند (لانگمن، ۲۰۰۳). لاش و یوری<sup>۳</sup> نیز بازاندیشی را به توانایی افراد برای تأمل انتقادی در مورد وضعیت موجود و هم‌چنین امکان تغییر دادن آنها تعریف می‌کنند (لاش و یوری، ۱۹۹۴: ۳۲).

با توجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجود، مشاهده می‌شود که در نگرشها و

تعاریف هویت زن بازبینی صورت گرفته است به طوری که هر نسلی در مقایسه با نسل پیشین خود به تساوی حقوق زن و مرد بیشتر متعهد هستند و در صدد ایجاد محیط و فرصتهایی برای بروز تمامی استعداد‌های انسانی زنان و مردان در حوزه‌های متفاوت اجتماعی برمی‌آیند. در نتیجه گسترش توسعه انسانی و اجتماعی در نگرش‌های سنتی به زنان و دختران نیز بازاندیشی رخ داده است.

در فرایند بازاندیشی، افکار و گفتمانهای مسلط متعدد به چالش کشیده، و بسیاری از ارزشهای سابق، نو می‌شود؛ به عبارتی دیگر می‌توان گفت که پدیده بازاندیشی به معنای آزمون کردن گزینه‌های گوناگون برای پرسشهای پیش رو و تلاش برای انتخاب پاسخ مناسب است. بازنگری و تأمل در بسیاری از ارزشها و هنجارها و پیش‌پنداشتهای افراد در این فرایند رخ می‌دهد و در این میان است که کنشگران در مشروعیت کلیشه‌ها و نگرشها تردید می‌کنند.

مفهوم نقش در تحلیل جامعه‌شناختی، اهمیت زیادی دارد و در این زمینه، نظریات مختلفی مطرح شده است. بسیاری از جامعه‌شناسان، تقسیم کارها و نقشهای جنسیتی را عنصر ضروری کارآمدی اجتماع دانسته‌اند؛ چنانکه ریل<sup>۱</sup> از بنیانگذاران جامعه‌شناسی خانواده معتقد است زیربنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد. حفظ اجتماع به حفظ خانواده بستگی دارد و برای بقای خانواده تقسیم کار و جداسازی نقشها ضرورت دارد. او ریشه فروپاشی خانواده را در تحولات فکری و آزادخواهانه و برابری می‌داند و معتقد بود اعضای خانواده باید نظام سلسله‌مراتبی را بپذیرند که با طبیعت مدیریت مرد و مدیریت‌پذیری زن هماهنگ است (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰). جامعه‌شناسان دیگری مانند دورکیم<sup>۲</sup>، پارسنز<sup>۳</sup>، لوبله<sup>۴</sup>، مالینوفسکی<sup>۵</sup>، برناردز<sup>۶</sup>، گهلن<sup>۷</sup> و کونینگ<sup>۸</sup> نیز در این زمینه عقاید مشابهی دارند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۷).

از جانب دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر با به کارگیری اصطلاح برساخته<sup>۹</sup> بر این اعتقادند که هویت معنای جوهری و ثابتی ندارد و به گفته کاستلز<sup>۱۰</sup> افراد و گروه‌های اجتماعی معنا را مطابق با الزامات اجتماعی و طرحهای فرهنگی بازتنظیم می‌کنند. سیالیت هویت پیامد خود را بر

1. Riehl
2. Durkheim
3. Parsons
4. Le play
5. Malinowski
6. Bernardez
7. Gehlen
8. Konig
9. Construct
10. Castells

نگرشها و ارزشها به جای می‌گذارد و باعث تغییرپذیری موقعیت‌ها و نقشها می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۴). اینگلهارت<sup>۱</sup> نیز معتقد است وقتی جامعه‌ای در مسیر صنعتی شدن قرار گیرد، انواع خاصی از دگرگونیهای ارزشی-فرهنگی را متحمل می‌شود. وی زیربنای تغییرات ارزشی را توسعه اقتصادی و رسیدن افراد به سطح فزاینده‌ای از امنیت می‌داند. او تغییرات ارزشی را خطی و جهانی نمی‌داند و بر این اعتقاد است که گرچه توسعه اقتصادی به ایجاد تغییرات ساختارمند در عقاید و خواسته‌های مردم گرایش دارد، اثر سنتهای فرهنگی محو نخواهد شد و اگرچه ارزشها می‌تواند تغییر کند، همچنان به انعکاس میراث تاریخی جامعه ادامه می‌دهد. او قائل به تأثیر مدرنیته در تغییر ارزشها است و در حالی که امنیت اقتصادی را زیر بنای تغییر ارزشی می‌داند، تغییر ارزشها را در نسلهای جوان، تحصیل کرده‌تر و پردرآمدتر نشان می‌دهد (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴). ماکس هورکهایمر<sup>۲</sup> از پایه‌گذاران مکتب فرانکفورت به طور خاص به روشهای اقتداری پدر در خانواده توجه کرده و با توجه به پیشینه تاریخی اقتدار، وجود آن را در خانواده امروزی زیانبار تشخیص داده است (هورکهایمر، ۱۹۷۲: ۱۲۸ - ۴۷). برگر<sup>۳</sup> نیز با توجه به مفهوم مدرنیته در مورد هویت بازاندیشانه معتقد است، جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را به بازاندیشی و گرفتن تصمیم‌های گوناگون ناگزیر می‌سازد. بازاندیشی نه تنها به جهان بیرونی معطوف است، بلکه وارد ذهنیت فرد نیز می‌شود و طی فرایندی، جهان و خود فرد به موضوع آگاهی تبدیل می‌شوند. از نظر برگر زندگی در جامعه مدرن کنشگران را در معرض تجربه‌های جدید قرار می‌دهد و به اندیشیدن و ادوار می‌کند (سیدمن، ۱۳۹۰: ۱۱۴). برگر معتقد است زوجین زمان حال را می‌سازند؛ گذشته را بازسازی می‌کنند و آینده مشترک برنامه‌ریزی شده‌ای را به وجود می‌آورند (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۵ - ۱۵۶). برگر به تجربیات جدیدی فکر می‌کند که ما در جهان نو داریم و می‌خواهد نشان دهد که چگونه آگاهی در نهادهایی ریشه دارد که زیربنای اجتماعی آن را شکل می‌دهد (گلوور و همکاران، ۱۳۸۴).

چارچوب نظری این مطالعه براساس دیدگاه‌های گیدنز<sup>۴</sup> بنا شده است. از نظر گیدنز هویت، خود شخص است؛ آن گونه که خودش تعریف می‌کند. به نظر او هویت انسان در کنش با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند و لذا هویت، سیال و همواره در حال تغییر

1. Inglehart  
2. Horkheimer  
3. Berger  
4. Giddens

است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۴). گیدنز از هویت بازاندیشی و انتخابگر استفاده می‌کند. به نظر وی بازاندیشی، ویژگی هرگونه کنش انسانی است و بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازمینی و اصلاح می‌شود و در نتیجه ویژگی خود را به گونه‌ای سازنده تغییر می‌دهند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۷). به نظر او اگرچه پیوند میان زن و مرد بویژه در ازدواج سنتی عمدتاً براساس نقشهای ثابت بوده در طول حدود یک نسل، تمام اینها تغییر کرده و دگرگونی بزرگی در خانواده رخ داده است. موقعیت زنان تغییر کرده است که این به یکسان شدن قدرت آنها با مردان مربوط می‌شود. جوامع درباره روابط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر می‌شوند. همچنین شناخت افراد از هویت خود به صورت طرحی بازاندیشانه درآمده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۴). در جامعه مدرن الزامات برونی و پیش ساخته مانند تقسیم کار، که وظیفه نان‌آوری را به شوهر و نگهداری از کودکان، آشپزی و خانه‌داری را به زنان می‌داد در حال ریشه کن شدن است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۹-۱۴۳). به باور وی بازاندیشی دارای ابعاد شکل آفرین و رهایی بخش است که بعد رهایی بخش آن قویتر است؛ زیرا بازاندیشی نوعی آزادی است؛ آزادی برای پیدا کردن و کشف خود به جای اینکه همچون گذشته به دلیل نقشی که مجبوریم در جامعه بازی کنیم، هویتی ازپیش تعریف شده داشته باشیم. گیدنز از دموکراسی گفتگویی صحبت می‌کند و معتقد است انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، جهان کنونی را جهانی‌تر و برای همه قابل رؤیت‌تر کرده است و متقابلاً رفتار روز مره مردم و ساخت اجتماعی را دگرگون و دوباره ساخت می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۵). او بر اصل برابری بین زن و مرد تأکید می‌کند و معتقد است تنها راه برقراری اقتدار، توسل به دموکراسی از راه نوین آن یعنی بر مبنای فعال و مشارکتی است. در جامعه کنونی شکل‌های کهن همبستگی روز به روز رنگ می‌بازد و همبستگی جدید بدون توسل به اعتماد فعالانه میسر نیست. وی از اصطلاح سیاست رهایی بخش صحبت می‌کند که با نوعی مفهوم پلکانی از قدرت سروکار دارد. سیاست‌های رهایی بخش معمولاً خواستار کاهش و یا لغو کامل نابرابری هستند و بر اولویت اصول اساسی عدالت، برابری و مشارکت تأکید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

این بررسی براساس نظریات گیدنز به بررسی بازتعریف نقشهای جنسیتی زنان و تعیین کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن بین زنان متأهل شهر شیراز به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور پرداخته که تحت تأثیر مدرنیته است. نگرش زنان به نقشهای جنسیتی از موضوعات مهم در مطالعات تغییرات اجتماعی و مطالعات زنان است و مشخص می‌کند جامعه تا



چه اندازه و در ارتباط با چه متغیرهایی ارزشهای سنتی را تأیید می‌کند و در مقابل تا چه حد از ارزشهای مدرن‌تر تأثیر پذیرفته است.

فرضیات مورد بررسی در این مطالعه به این قرار است:

۱. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و سن آنها ارتباط معناداری هست.
۲. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و سن همسرانشان ارتباط معناداری هست.
۳. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و میزان درآمد آنها ارتباط معناداری هست.
۴. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و میزان درآمد همسرانشان ارتباط معناداری وجود دارد.
۵. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و تحصیلات آنها ارتباط معناداری هست.
۶. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و میزان تحصیلات همسرانشان ارتباط معناداری هست.
۷. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و مدت زمان ازدواج آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
۸. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و تعداد فرزندان آنها ارتباط معناداری هست.
۹. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و وضعیت اشتغال آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۰. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و نوع شغل آنها ارتباط معناداری هست.
۱۱. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و وضعیت اشتغال همسرانشان ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۲. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۳. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و محل تولد آنها ارتباط معناداری هست.
۱۴. بین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی و میزان مصرف رسانه‌ای و استفاده آنها از شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباط معناداری هست.
۱۵. به‌نظر می‌رسد متغیرهای تحصیلات، درآمد و اشتغال بیشترین نقش را در تبیین بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی ایفا می‌کند.

## روش

پژوهش با رویکرد کمی و استفاده از روشهای توصیفی، همبستگی و علی در میان زنان متأهل شهر شیراز انجام، و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه این مطالعه از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول با متغیرهای مستقل و دموگرافیک یا جمعیت‌شناختی مرتبط است که در آن متغیرهایی مانند سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال و درآمد زنان و همسرانشان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، میزان استفاده از تلویزیون و ماهواره و شبکه‌های مجازی ارتباط اجتماعی شامل واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و فیس‌بوک مورد بررسی قرار گرفته است

در بخش دوم از مقیاس نگرش به نقشهای جنسیتی<sup>۱</sup> استفاده شده است. این مقیاس توسط ادوارد گارسیا<sup>۲</sup> و همکاران با تلفیق چندین پرسشنامه (پرسشنامه نقش اجتماعی<sup>۳</sup>، مقیاس ایدئولوژی نقشهای جنسیتی<sup>۴</sup> و مقیاس نگرش دانشجویان به همکاری<sup>۵</sup>) در سال ۲۰۱۴ در کشور اسپانیا هدف تهیه مقیاسی بهبود یافته به منظور ارزیابی نگرش به نقشهای جنسیتی تدوین، و در این مقیاس از بین ۵۰ گویه استخراج شده ۲۰ گویه انتخاب، و در سه خرده مقیاس اجتماعی (۵ گویه)، خانوادگی (۹ گویه) و شغلی (۶ گویه) در قالب طیف لیکرت از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم تدوین شده است. این پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده است که بیشترین نمره نشاندهنده فراوانترین میزان بازاندیشی در نقشهای جنسیتی است. این مقیاس توسط گارسیا و همکاران در مطالعه‌ای شامل ۲۱۳۶ نفر از جوانان زن و مرد اسپانیایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مطالعه پایایی<sup>۶</sup> مقیاس با روش الفای کرونباخ<sup>۷</sup> برابر با ۰/۹۹ به دست آمده که از سطح بسیار مناسبی برخوردار است. هم‌چنین به منظور بررسی روایی<sup>۸</sup> مقیاس در تحلیل عامل اکتشافی<sup>۹</sup> از تحلیل موازی<sup>۱۰</sup> استفاده شده است و آزمونهای بارلت (۱۳۱۰۴/۹ و sig=۰/۰۰۰) و کایزر مایر<sup>۱۱</sup> (۰/۹۷) تأیید کرد که داده‌ها شرایط

1. the Gender Role Attitudes Scale (GRAS)
2. García-Cueto
3. Social Role Questionnaire (SRQ-R; Baber & Tucker, 2006)
4. Gender Role Ideology (EIG; Moya, Expósito, & Padilla, 2006)
5. Scale of Student Attitudes to Coeducation (SDG; García-Pérez et al., 2010)
6. Reliability
7. Cronbach' Alpha
8. Validity
9. Exploratory factor analysis
10. Parallel Analysis
11. Bartlett's test index and the Kaiser-Meyer

مناسب ورود به آزمون تحلیل عاملی و توان خوب ایجاد شاخص را دارد. هم‌چنین مقادیر  $GFI = 0/999$  و  $RMS = 0/048$  نیز تناسب خوبی از داده‌ها را در یک بعد نشان داده است. به‌علاوه در این بررسی نتایج شاخصهای تحلیل عامل تأییدی<sup>۱</sup> نیز نشان از تناسب خوب داده‌ها در یک الگو را داشته است (گارسیا و همکاران، ۲۰۱۵). لازم به ذکر است که این پرسشنامه اولین بار است که در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایجی از بررسی آن در تحقیقات داخلی وجود ندارد.

در این پژوهش برای بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه در چارچوب تحقیق مقدماتی، ۷۰ پرسشنامه تکمیل و بر آن اساس اعتبار و روایی سنج‌های تحقیق آزمون شد. به‌منظور بررسی اعتبار پرسشنامه و بویژه مقیاس بازاندیشی از اعتبار صوری<sup>۲</sup> استفاده شده است و چندین نفر از استادان و کارشناسان آن را تأیید کرده‌اند. هم‌چنین پایایی مقیاس با شیوه الفای کرونباخ سنجیده شده است که نتایج نشان داد، مقیاس از ضریب پایایی خوبی (۰/۸۰) برخوردار است.

حجم نمونه با توجه به جدول لین با ۹۵ درصد اطمینان و خطای ۴ درصد معادل ۶۹۳ نفر محاسبه شده است که برای اطمینان بیشتر ۶۰۰ پرسشنامه تکمیل شد. هم‌چنین با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، نمونه‌ها انتخاب شده‌اند. در این شیوه نمونه‌گیری ابتدا طبقات و یا گروه‌ها تشکیل، و سپس به تناسب هر طبقه افراد به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شود؛ لذا در این بررسی با توجه به نسبت زنان همسر دار به هر کدام از مناطق یازده‌گانه شهر شیراز سهمیه‌ای به آن منطقه اختصاص داده شده است و با رعایت پراکندگی، افراد به‌صورت تصادفی انتخاب شده، و مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس<sup>۳</sup> و با بهره‌گیری از آمارهای مناسب انجام شده است به‌طوری که داده‌ها در سطح توصیفی با روشهای آماری فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی با توجه به سطوح سنجش متغیرها با استفاده از آماره‌هایی مانند همبستگی، رگرسیون، آزمون تی و تحلیل واریانس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها

در این مطالعه پاسخگویان زنان متأهل شهر شیراز هستند که برخی از نتایج توصیفی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توصیف متغیرهای مستقل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن زنان	۳۷/۸۵	۱۱/۲۳	۱۸	۷۳	استفاده <sup>۱</sup> از تلویزیون	۱/۶۷	۱/۲۹	۰	۴
سن همسران	۴۲/۳۶	۱۲/۰۳	۲۰	۹۰	استفاده از ماهواره	۰/۰۴	۱/۲۲	۰	۴
تحصیلات زنان	۱۲/۹۲	۴/۲۳	۰	۲۲	استفاده از تلگرام	۰/۷۲	۰/۹۶	۰	۴
تحصیلات همسران	۱۲/۷۳	۴/۳۷	۰	۲۲	استفاده از واتساپ	۱/۳۲	۱/۲۵	۰	۴
درآمد <sup>۲</sup> زنان شاغل	۱۹۱۶	۹۹۵	۱۰۰	۷۰۰	استفاده از اینستاگرام	۰/۷۸	۱/۰۹	۰	۴
درآمد همسران	۲۸۹۸	۱۷۰۲	۲۰۰	۱۵۰۰۰	استفاده از فیس‌بوک	۰/۱۵	۰/۴۴	۰	۴
تعداد فرزندان	۱/۸۷	۱/۵۹	۰	۱۱	مدت زمان ازدواج	۱۴/۷۴	۱۲/۵۴	۰/۵	۵۶

همان‌طور که در جدول شماره مشاهده می‌شود، پاسخگویان دارای حداقل ۱۸ و حداکثر ۷۳ سال بوده‌اند که میانگین سنی آنها حدود ۳۸ سال است هم‌چنین به‌طور متوسط ۱۴/۷۴ سال از زمان ازدواج آنها گذشته است. ۱۸ درصد از پاسخگویان بدون فرزند هستند؛ ۵۴ درصد یک یا دو فرزند، ۱۹ درصد سه و چهار فرزند، و بقیه بیش از ۴ فرزند دارند. ۳/۲ درصد از آنها بیسواد، ۱۴/۴ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۱/۲ درصد کاردانی و کارشناسی و ۸ درصد نیز دارای تحصیلات عالی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری هستند. بیشتر پاسخگویان یعنی ۶۲/۲ درصد خانه‌دار و ۳۷/۸ درصد شاغل هستند و میانگین درآمد زنان شاغل یک میلیون و نهصد هزار تومان و میانگین درآمد همسران زنان پاسخگو حدود دو میلیون و نهصد هزار تومان است. درباره پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز ۶۶/۳۳ درصد از آزمودنیها خود را متعلق به طبقه متوسط، ۱۴/۳۳ درصد طبقه پایین و ۱۹/۳۳ درصد طبقه متوسط رو به بالا و بالا دانسته‌اند.

۱. میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی به ساعت است.

۲. درآمدها به هزار تومان است.

جدول ۲. میانگین و درصد بازاندیشی در نقشهای جنسیتی به تفکیک حوزه‌های مختلف

حوزه	گویه	خیلی موافقم	خیلی مخالفم	موافقم	مخالفم	نظری ندارم
اجتماعی	مردم می‌توانند بدون توجه به جنسیتشان فعال و فهمیده باشند.	۵۲/۵	۲۳/۲	۱۰	۳/۳	۱
اجتماعی	باید با همه افراد بدون توجه به جنسیتشان مثل هم برخورد کرد.	۱۶/۲	۲۲/۳	۱۶/۳	۳۸/۳	۶/۸
اجتماعی	باید به بچه‌ها بدون توجه به جنسیت و با توجه به وضعیت سن آنها آزادی داد.	۱۱/۵	۲۵/۳	۱۳	۴۲/۲	۸
اجتماعی	باید بدون توجه به جنسیت افراد به تواناییهای آنها توجه کنیم.	۲/۸	۴۱/۳	۵/۸	۱۹/۲	۵/۸
اجتماعی	من فکر می‌کنم دیدن گریه مرد بدتر از دیدن گریه زن است.	۱۴	۳۴/۲	۱/۳	۲/۷	۱۲/۸
خانواده	فکر می‌کنم باید برای دخترها و پسرها هدایای متفاوتی خرید.	۱/۵	۴۹/۷	۱/۵	۱/۲	۹/۲
خانواده	والدین باید با توجه به جنسیت فرزندانشان وظیفه‌ای را به آنها واگذار کنند.	۲۷/۵	۴۰/۷	۹/۳	۱۴/۷	۷/۸
خانواده	کارهای خانگی نباید براساس جنسیت تقسیم شود.	۱/۵	۴۰/۲	۹/۲	۲/۳	۵/۸
خانواده	وظیفه اصلی پدر کمک به تأمین منابع مالی فرزندان است.	۱۰/۲	۳۰/۵	۷/۵	۲/۲	۲۶/۷
خانواده	اینکه همسر فکر کند من مسئول کارهای خانه هستم به من تنش می‌دهد.	۹/۵	۲۵/۳	۱/۸	۳۸	۱۲/۳
خانواده	شوهر مسئول خانواده است و زن باید از او اطاعت کند.	۶/۲	۱۶/۵	۸/۵	۴۱/۸	۲۷
خانواده	یک زن نباید با همسرش مخالفت کند.	۴/۵	۲۰/۲	۸/۲	۴/۷	۲۴/۵
خانواده	تربیت بچه‌ها بیشتر وظیفه مادران است.	۱/۵	۳۲/۸	۶/۵	۲۹/۲	۲۰
خانواده	دخترها باید تمیزتر و مرتب‌تر از پسرها باشند.	۹/۲	۲۵/۸	۵/۸	۴۰/۳	۱۸/۸
شغلی	تنها برای برخی مشاغل می‌توانیم زنان و مردان را به‌طور مساوی در نظر بگیریم.	۱۰/۸	۴۴/۷	۱/۳	۱۸/۳	۱۴/۸
شغلی	به‌نظر من پستهای مدیریتی باید به مردها داده شود.	۵/۸	۱۸/۲	۸/۳	۴۶/۸	۲۰/۸
شغلی	برای یک زن کارهای مربوط به خانه و خانواده مهمتر از فعالیتهای شغلی و حرفه‌ای است.	۱/۳	۳۳/۷	۹/۳	۲۹/۵	۱۴/۲
شغلی	بعضی از مشاغل برای زنان مناسب نیست.	۲/۵	۴۴/۵	۵	۱۴/۵	۱۵/۵
شغلی	اینکه در بین اطرافیان آینده شغلی همسر مهمتر از آینده شغلی من است، برایم قابل قبول است.	۸/۲	۱۶/۵	۵/۵	۱۷/۱	۱۳/۱
شغلی	برای شغل‌های مهم انتخاب مردان بر زنان اولویت دارد.	۵/۸	۲۲/۸	۱/۸	۳۴/۸	۲۲/۷

مقیاس بازاندیشی در نقشهای جنسیتی در سه حوزه اجتماعی، خانوادگی و شغلی بررسی شده است که به تفکیک حوزه‌های مورد بررسی، چگونگی پاسخ مخاطبان و میانگین نمره هر گویه در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این مقیاس شامل پنج گویه در حوزه بازاندیشی در نقشهای جنسیتی اجتماعی، نه گویه در زمینه بازاندیشی در نقشهای جنسیتی خانوادگی و شش گویه درباره نقشهای جنسیتی شغلی است.

جدول ۳. طبقه‌بندی گویه‌های مورد بررسی مقیاس بازاندیشی در نقشهای جنسیتی

بازاندیشی در حوزه	کم	متوسط	زیاد	میانگین دامنه (۰ الی ۱۰۰)
اجتماعی	۲۳	۵۷/۸	۱۹/۲	۴۸/۶۸
خانوادگی	۸/۳	۶۲/۸	۲۸/۸	۵۵/۲۱
شغلی	۲۲/۲	۵۱/۳	۲۶/۵	۵۲/۱۷
کل	۲۱/۵	۶۵/۵	۱۳	۴۶/۲۷

به دلیل متغیر بودن تعداد گویه‌های خرده مقیاسهای سه گانه، داده‌ها برای بررسی و مقایسه بهتر در دامنه ۰ تا ۱۰۰ در سه گروه کم، متوسط و زیاد هم‌ارز و استاندارد<sup>۱</sup> شده است. نتایج در جدول ۳ نشان می‌دهد ۲۱/۵ درصد پاسخگویان، بازاندیشی کمی در نقشهای جنسیتی داشته‌اند. ۶۵/۵ درصد پاسخگویان به صورت متوسط و ۱۳ درصد به صورت زیادی نقشهای جنسیتی را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. هم‌چنین بیشترین بازاندیشی‌ها به ترتیب در حوزه روابط خانوادگی با میانگین نمره ۵۵/۲۱، حوزه شغلی با ۵۲/۱۷ و کمترین آن در حوزه روابط اجتماعی با میانگین نمره ۴۸/۶۸ بوده است.

جدول ۴. آزمون همبستگی پیرسون بین بازاندیشی در نقشهای جنسیتی و متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	بازاندیشی در نقشهای اجتماعی	بازاندیشی در نقشهای خانوادگی	بازاندیشی در نقشهای شغلی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی کل
سن	-۰/۱۰**	-۰/۱۴**	-۰/۱۹**	-۰/۲۰**
سن همسر	-۰/۰۹*	-۰/۱۴**	-۰/۲۰**	-۰/۲۰**
درآمد زن	۰/۰۱	۰/۳۰**	۰/۲۴**	۰/۲۷**
درآمد همسر	۰/۰۳	۰/۲۶**	۰/۲۳**	۰/۲۵**
تحصیلات زن	۰/۱۲**	۰/۳۰**	۰/۲۹**	۰/۳۴**
تحصیلات همسر	۰/۱۲**	۰/۲۷**	۰/۲۶**	۰/۳۱**
مدت زمان ازدواج	-۰/۰۸*	-۰/۱۶**	-۰/۲۲**	-۰/۲۲**
تعداد فرزند	-۰/۰۸*	-۰/۱۳**	-۰/۱۳**	-۰/۱۶**

\* p < .05; \*\* P < .000

۱. مقیاس سابق - مقدار حداقل در مقیاس / دامنه \* حد بالا در مقیاس جدید

در جدول ۴ فرضیات شماره یک تا هشت مورد بررسی قرار گرفته که در آن با توجه به فاصله‌ای بودن متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج بررسی فرضیه شماره ۱ نتایج نشان‌دهنده این است که بین سن زنان و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و زنان جوان بازاندیشی بیشتری در نقشهای جنسیتی داشته‌اند و این ارتباط در سه حوزه اجتماعی، خانوادگی و شغلی معنادار است. هم‌چنین این نتایج در مورد فرضیه شماره دو درباره ارتباط سن همسر و بازاندیشی زنان در نقشهای جنسی نیز صادق است.

نتایج بررسی فرضیات شماره سوم و چهارم نیز در این جدول نشانگر این است که بین درآمد زنان و همسرانشان با بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی در حوزه‌های خانوادگی و شغلی ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد و در زمینه درآمد همسر این ارتباط در تمام حوزه‌های اجتماعی، خانوادگی و شغلی معنادار است؛ چنانکه زنان با افزایش سطح رفاه خانواده و درآمد خود و همسرانشان بازاندیشی بیشتری را در نقشهای جنسیتی داشته‌اند.

هم‌چنین در بررسی فرضیات پنجم و ششم، نتایج در جدول ۴ حاکی است که زنان با بالا رفتن سطح تحصیلات خود و همسرانشان بازاندیشی بیشتری را در مورد نقشهای جنسیتی سنتی در تمام ابعاد آن تجربه می‌کنند. در بررسی فرضیه‌های هفتم و هشتم یعنی ارتباط متغیرهای مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با نگرش زنان به نقشهای جنسیتی، همان‌طور که یافته‌ها در این جدول نشان می‌دهد، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. با افزایش تعداد فرزندان و مدت زمان ازدواج، نگرشهای سنتی بیشتری دیده می‌شود و این ارتباط در حوزه‌های شغلی، خانوادگی و روابط اجتماعی معنادار است.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و تی مستقل بین وضعیت اشتغال، پایگاه اقتصادی و اجتماعی

و محل تولد و نگرش زنان به نقشهای جنسیتی

نام متغیر	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی اجتماعی	بازاندیشی در نقشهای خانوادگی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی شغلی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی کل
وضعیت اشتغال زنان	$T = -1/13^{**}$	$T = -2/04^{*}$	$T = -1/7^{*}$	$T = -2/33^{*}$
نوع شغل زنان	$F = 0/58$	$F = 2/84^{**}$	$F = 2/98^{**}$	$F = 3/44^{**}$
نوع شغل مردان	$F = 1/44$	$F = 3/80^{**}$	$F = 3/21^{**}$	$F = 4/96^{**}$
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	$F = 0/89$	$F = 3/74^{**}$	$F = 4/84^{**}$	$F = 5/08^{**}$
محل تولد	$F = 0/31$	$F = 7/95^{**}$	$F = 3/22^{*}$	$F = 4/53^{**}$

\*  $p < .05$ ; \*\*  $P < .000$

در بررسی فرضیه شماره ۹ یعنی ارتباط اشتغال زنان و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی با توجه به سطح متغیرها از آزمون t مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. به گونه‌ای که زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار نقشهای جنسیتی را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. دربارهٔ ارتباط این متغیر با جنبه‌های مختلف بازاندیشی نیز مشاهده می‌شود این ارتباط در حوزه روابط خانوادگی و شغلی معنادار است و اشتغال زنان بیشترین تغییر نگرش را در این دو حوزه به وجود آورده است. در بررسی نوع شغل زنان موضوع فرضیه شماره ۱۰، نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. صاحبان مشاغل عالی با میانگین نمره ۶۰ بیشترین میزان بازاندیشی را داشته‌اند و پس از آن به ترتیب کارمندان با میانگین نمره ۴۹/۴۲، معلمان و زنان خانه‌دار با میانگین نمره‌های ۴۷/۱۴ و ۴۵/۴۸ قرار دارند و کمترین میزان بازاندیشی به دارندگان مشاغل آزاد با میانگین نمره ۴۴/۹۵ مربوط بوده است و این ارتباطها در حوزه‌های شغلی و خانوادگی معنادار است. در زمینه فرضیه شماره ۱۱ یعنی ارتباط نوع شغل همسر و بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی نیز یافته‌های آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در این جدول گواه این است که بین این دو متغیر ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های جزئی‌تر در این زمینه نشان می‌دهد همسران مردان با مشاغل عالی با میانگین نمره ۵۶/۵۹ بیشترین میزان بازاندیشی را داشته‌اند و پس از آن به ترتیب زنانی قرار دارند که همسرانشان کارمند، کارمند بازنشسته، دارای مشاغل آزاد، معلم، کارگر و بالاخره نظامی هستند که میانگین نمره بازاندیشی آنها به ترتیب عبارت است از ۴۹/۱۸، ۴۵/۰۷، ۴۴/۳۸، ۴۳/۶۸، ۴۳/۱۵ و ۴۱/۸۷. هم‌چنین این ارتباط در ابعاد خانوادگی و شغلی معنادار است.

در بررسی ارتباط متغیرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی (فرضیه شماره ۱۲) نیز از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه به منظور مقایسه میانگین‌ها در گروه‌های مختلف استفاده شده است که نتایج در جدول ۵ نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود دارد؛ چنانکه زنان طبقه متوسط و سپس بالا با میانگین نمره‌های به ترتیب ۴۸/۲۰ و ۴۷/۷۳ بیشترین بازاندیشی در نقشهای جنسیتی را داشته‌اند و کمترین میزان بازاندیشی با میانگین نمره ۴۴/۳۵ به طبقات پایین مربوط بوده است. در بررسی تفکیکی حوزه‌های مورد بررسی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد این ارتباط تنها در حوزه‌های خانوادگی و شغلی معنادار است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در بررسی فرضیه ۱۳ به منظور مطالعه ارتباط بین متغیر



خاستگاه تولد زنان و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی نشان می‌دهد که این ارتباط معنادار است و هرچه زنان در شهرهای کوچکتری به دنیا آمده باشند، پابندی آنها به نقشهای سنتی بیشتر است؛ چنانکه میانگین نمره بازاندیشی زنان در مرکز استان، شهرستان و روستا به ترتیب ۴۷/۸۹، ۴۴/۹۶ و ۴۲/۴۲ بوده است. هم‌چنین این رابطه در ابعاد خانوادگی و شغلی ارتباط معناداری داشته است.

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی

نام متغیر	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی اجتماعی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی خانوادگی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی شغلی	بازاندیشی در نقشهای جنسیتی کل
استفاده از تلویزیون	۰/۰۱	۰/۲۸**	۰/۳۰**	۰/۲۹**
استفاده از ماهواره	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۲
استفاده از تلگرام	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۲
استفاده از واتساپ	۰/۱۵**	۰/۰۵	۰/۱۰**	۰/۰۰
استفاده از اینستاگرام	۰/۱۷**	۰/۱۰**	۰/۱۴**	۰/۲۰**
استفاده از فیس‌بوک	۰/۰۴*	۰/۱۹**	۰/۱۶**	۰/۱۶**

\*  $p < .05$ ; \*\*  $P < .000$

در بررسی فرضیه شماره ۱۴ دربارهٔ ارتباط میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۶ نشان می‌دهد که استفاده از تلویزیون ارتباط معنادار و معکوسی بر بازاندیشی نقشهای جنسیتی توسط زنان دارد و این ارتباط در حوزه‌های خانوادگی و شغلی معنادار است. استفاده از ماهواره، تلگرام و واتساپ نقش معناداری بر بازاندیشی زنان نداشته است و تنها ارتباط معنادار و ضعیفی بین استفاده از واتساپ و افزایش بازاندیشی زنان در ابعاد اجتماعی و شغلی نقشهای جنسیتی وجود دارد که سبب تقویت نگرشهای بازاندیشانه زنان در نقشهای جنسیتی شده است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین استفاده زنان از فیس‌بوک و اینستاگرام و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی وجود دارد و این ارتباط در تمام ابعاد آن معنادار است.

جدول ۷. نتایج رگرسیون چند متغیره همزمان بازاندیشی در نقشهای جنسیتی به تفکیک

حوزه‌های سه‌گانه اجتماعی، جنسیتی و شغلی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۰۹	۱	۱۷/۳۱	۰/۰۰
۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۱	۴	۱۶/۶۵	۰/۰۰
۰/۴۲	۰/۱۷	۰/۱۶	۳	۱۶/۲۶	۰/۰۰
۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۶	۵	۱۷/۲۹	۰/۰۰۰

جدول ۸. نتایج تکمیلی رگرسیون چند متغیره بازاندیشی در نقشهای جنسیتی به تفکیک حوزه‌های سه‌گانه

حوزه	عوامل تبیین کننده متغیر بازاندیشی در نقشهای جنسیتی	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد (β)	مقدار T	سطح معناداری
اجتماعی	سن	-۰/۰۶	-۰/۲۲	-۳/۵۴	۰/۰۰
	استفاده از واتساپ	۰/۴۹	۰/۱۹	۳/۰۳	۰/۰۰
خانوادگی	استفاده از تلویزیون	-۱/۱۸	-۰/۲۴	-۴/۰۷	۰/۰۰
	تحصیلات همسر	۰/۳۱	۰/۲۴	۳/۸۰	۰/۰۰
	پایگاه اقتصادی و اجتماعی (پایین)	-۴/۸۴	-۰/۱۵	-۲/۵۷	۰/۰۱
	درآمد	۰/۰۰	۰/۱۴	۲/۱۸	۰/۰۳
شغلی	تحصیلات	۰/۲۸	۰/۲۶	۴/۳۳	۰/۰۰
	استفاده از تلویزیون	-۱/۰۱	-۰/۲۴	-۴/۰۶	۰/۰۰
	پایگاه اقتصادی و اجتماعی (پایین)	-۳/۹۱	-۰/۱۵	-۲/۴۲	۰/۰۱
کل	تحصیلات	۲/۱۴	۰/۲۰	۳/۲۶	۰/۰۰
	استفاده از تلویزیون	-۱۲/۰۳	-۰/۳۳	-۵/۵۱	۰/۰۰
	استفاده از اینستاگرام	۷/۷۲	۰/۲۱	۳/۶۲	۰/۰۰
	پایگاه اقتصادی و اجتماعی (پایین)	-۳۵/۲۲	-۰/۱۵	-۲/۵۰	۰/۰۱
	شغل همسر (مشاغل عالی)	۱۸/۵۸	۰/۱۴	۲/۳۸	۰/۰۱

به منظور بررسی فرضیه شماره ۱۵ و هم‌چنین برای بررسی دقیقتر دیگر فرضیات و مطالعه سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته از روش همزمان<sup>۱</sup> رگرسیون خطی چندگانه<sup>۲</sup> استفاده شده است تا تأثیر تمام متغیرها بر متغیر وابسته نشان داده شود؛ چنانکه متغیرهای سن،

1. Enter  
2. Multiple Linear Regression

درآمد، تحصیلات و وضعیت اشتغال زن و همسر، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و محل تولد به رگرسیون راه یافتند. الگوی استخراج شده در جدولهای شماره ۷ و ۸ حاکی است که ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر بازاندیشی در نقشهای جنسیتی ۰/۵۲ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۶ است که نشان می‌دهد که تقریباً ۲۶ درصد تأثیرات بازاندیشی در نقشهای جنسیتی با متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و بقیه به عواملی مربوط است که در این پژوهش بررسی نشده است. براساس این نتایج، زنانی که تحصیلات بیشتر دارند و از اینستاگرام استفاده می‌کنند و همسرانشان مشاغل عالی دارند بیش از دیگر اقشار به بازتعریف نقشهای جنسیتی پرداخته‌اند و کسانی که در طبقه پایین قرار دارند و زمان بیشتری از تلویزیون استفاده می‌کنند، کمترین میزان بازاندیشی را از خود نشان داده‌اند. درباره بازاندیشی نقشهای جنسیتی در حوزه اجتماعی، متغیرهای مستقل تنها ۱۰ درصد تأثیرات را تبیین می‌کند که سن پاسخگویان و استفاده از واتساپ به‌عنوان دو عامل تبیین‌کننده است و سن نقشی منفی دارد. در حوزه مسائل خانوادگی، تحصیلات همسر، درآمد زن و استفاده از تلویزیون و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان مهمترین تبیین‌گرها شناخته شده، و ۲۲ درصد تغییرات را تبیین کرده‌اند که در این میان تحصیلات همسر و درآمد زنان در افزایش بازاندیشی در نقشهای جنسیتی خانوادگی نقش دارد. هم‌چنین قرار گرفتن در جایگاه طبقه پایین اقتصادی، اجتماعی و استفاده از تلویزیون عاملی برای کاهش بازاندیشی بوده است. سومین حوزه مورد بررسی در این مطالعه حوزه نقشهای جنسیتی شغلی است که در این گروه نیز متغیرهای مستقل تحصیلات و سبب افزایش بازاندیشی در نقشهای جنسیتی شده و استفاده از تلویزیون و داشتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، عاملانی در کاهش میزان بازاندیشی بوده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش نگرش زنان به نقشهای جنسیتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، خانوادگی و شغلی بررسی و عوامل مرتبط بر آن مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج توصیفی این بررسی نشان می‌دهد به‌طور متوسط بیش از نیمی از نقشهای جنسیتی (۵۵/۲۱ درصد) در حوزه روابط خانوادگی توسط زنان مورد تردید قرار گرفته، و پس از آن به ترتیب در حوزه‌های شغلی و اجتماعی با ۵۲/۱۷ و ۴۸/۶۸ درصد بیشترین میزان بازاندیشی اتفاق افتاده است؛ به‌عبارت دیگر حوزه روابط

اجتماعی مقاومترین حوزه در برابر تغییرات بوده است.

نتایج آزمونهای آماری نیز نشان داد بین سطح تحصیلات و اشتغال زنان بویژه اشتغال آنها در مشاغل سطح بالاتر و کسب درآمد بیشتر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و بازاندیشی آنها در نقشهای جنسیتی وجود دارد. هم‌چنین یافته‌ها حاکی است که چنانچه مردان از سطح تحصیلی و یا درآمدی بیشتری برخوردار، و نگرشهای مثبت‌تری در این زمینه داشته باشند، همسرانشان بازاندیشی بیشتری را تجربه خواهند کرد.

هم‌چنین یافته‌ها نشان داد سن زنان و همسرانشان، مدت زمان سپری شده از ازدواج و تعداد فرزندان ارتباط معکوس و معناداری با بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، شغلی و خانوادگی داشته است. هم‌چنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و محل تولد از عوامل دیگری است که در همه ابعاد ارتباط مثبت و معناداری را با بازاندیشی زنان نشان داده است. از عوامل مهم و تأثیرگذار دیگر در نگرش به نقشهای جنسیتی، میزان استفاده زنان از رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی است که یافته‌ها در این زمینه حاکی از ارتباط منفی استفاده از تلویزیون و ارتباط مثبت و معنادار اینستاگرام و فیس‌بوک بر بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی است.

مقایسه نتایج با مطالعات پیشین نشان می‌دهد درباره ارتباط متغیرهای تحصیلات و درآمد و بازاندیشی زنان در نقشهای جنسیتی، یافته‌ها با نتایج بررسیهای باربر و اکسین (۱۹۹۸)، کیننگام و همکاران (۲۰۰۵)، ساروخانی (۱۳۸۳)، کلاوشکی (۱۳۸۸)، شفایی‌مقدم (۱۳۹۰) و افراسیابی و خرم‌پور (۱۳۹۴) همسو است. به‌علاوه یافته‌های فانگ و اریک (۲۰۰۰) و شفایی‌مقدم (۱۳۹۰) در تأیید نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر نقش رسانه‌های جمعی بر بازاندیشی نقشهای جنسیتی و بویژه نقش تقویت‌کننده تلویزیون در پذیرش تفکرات کلیشه‌ای است. هم‌چنین نتایج پژوهشهای گرسون (۱۹۹۱)، شفایی‌مقدم (۱۳۹۰) و علیجانی (۱۳۹۴) هماهنگ با نتایج این مطالعه درباره ارتباط پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و نگرش آنها نسبت به نقشهای جنسیتی است.

در تحلیل یافته‌ها می‌توان عنوان کرد در اثر جریان مدرنیته تغییراتی در حال وقوع است و موقعیت زنان در جامعه مدرن تغییر یافته است. زنان می‌خواهند قدرتی بیش از گذشته به‌دست آورند و جایگاه برابری نسبت به مردان داشته باشند. تحصیلات و اشتغال زنان در جامعه نسبت به دوره‌های گذشته رشد چشمگیری یافته است و البته میزان طلاق در خانواده‌های ایرانی نیز به همین ترتیب با افزایش روبه‌رو بوده است. ورود فزاینده دختران به دانشگاه‌ها و افزایش آگاهیهای اجتماعی آنها نسبت به حقوق از دست رفته تاریخی خویش در کنار ورود آنها به عرصه‌های

اقتصادی و تلاش برای کسب استقلال شده است و زنان بتدریج خواهان سهم بیشتری در تصمیم‌گیری و قدرت هستند (ارمکی، ۱۳۹۵: ۵۴).

در جامعه مورد مطالعه یعنی شیراز به‌عنوان یکی از کلانشهرهای مهم کشور، که تا حدودی تحت تأثیر مدرنیته قرار گرفته است با اینکه ایفای نقشهای سنتی برای زنان جایگاه مهمی دارد و مقاومت‌هایی در نقشهای سنتی می‌شود، روال کلی از تغییرات در این جامعه بسته به موقعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان به‌وجود آمده و ساختار سنتی به چالش کشیده شده است. در این زمینه بسیاری از آنها تحت تأثیر عواملی مانند تحصیلات، گسترش وسایل ارتباط جمعی، اشتغال و افزایش پایگاه اقتصادی و اجتماعی، الزامات از پیش‌ساخته شده و سنتی را مورد بازبینی قرار می‌دهند و برای تغییر تلاش می‌کنند در این فرایند، حوزه روابط خانوادگی در دسترس‌ترین حوزه به‌منظور تغییر زنان است و بیشترین میزان تغییر در آن مشاهده می‌شود که علت آن را می‌توان رشد شناخت و درک موقعیت زنان دانست.

دربارۀ عوامل مؤثر بر بازاندیشی زنان، تحصیلات برای آنها موقعیتی بهتر به‌منظور تغییر دادن مفروضات از پیش‌تعیین شده به‌وجود می‌آورد و به‌عنوان منبع قدرت و متغیر فرهنگی با افزایش سطح توانایی و آگاهی فکری، آنها را نسبت به حقوق و امتیازاتشان آگاه می‌کند. هرچه سطح تحصیلات زنان به‌عنوان سرمایه فرهنگی بالاتر باشد، ایدئولوژی جنسیتی آنها مساوات‌طلب‌تر می‌شود. زنانی که پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری دارند به‌دلیل دسترسی محدودتر به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی مانند تحصیلات و هم‌چنین دارا بودن درآمد کمتر، کمترین میزان بازاندیشی در نقشهای جنسیتی را داشته‌اند؛ اما بازاندیشی زنانی که دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسط هستند، اندکی بیش از بازاندیشی زنان با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا بوده است که این موضوع را می‌توان به تیرگی و ابهامی نسبت داد که در عقاید و مواضع طبقات متوسط وجود دارد؛ چنانکه بوردیو نیز معتقد است بیشترین تغییرات و پیشتازی در تغییر نگرشها به طبقه متوسط اختصاص دارد (بوردیو، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

رسانه‌ها نیز به‌عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیر کردن افراد، کارکرد انتقال فرهنگ را به‌عهده دارند و از مصادق‌های سرمایه‌ها و منابع فرهنگی هستند که امکان فراهم کردن اطلاعات بیشتر را بین مخاطبان به‌وجود می‌آورند. رسانه‌ها در فرهنگ هر جامعه نقشی غالب دارند و این امر را نه فقط در بازتاب دادن فرهنگ، بلکه در شرکت در فرهنگ‌سازی به اجرا می‌گذارند؛ یعنی از یک سو جزء عواملی هستند که فرهنگ از آن ساخته می‌شود و از سوی دیگر در صحنه‌ای بازی

می‌کنند که حیات اجتماعی و فرهنگی در آن جریان دارد (لازار، ۱۳۸۰: ۸۶). ورود وسایل ارتباطی جمعی مانند ماهواره و اینترنت همگام با فرایند جهانی شدن، جوامع در حال توسعه را با موج گسترده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری روبه‌رو کرده است.

رسانه‌های گروهی داخلی در هر جامعه‌ای تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه است. از آنجا که در برنامه‌های تلویزیونی تفاوت نقشی که بین زنان و مردان ارائه می‌شود با تفکرات قالبی جامعه همسو است و زنان و مردان عموماً در نقش‌های سنتی خود ظهور می‌یابند، تماشای برنامه‌های تلویزیونی سبب تثبیت بیشتر این قالب در ذهن بینندگان شده و بر بازاندیشی تأثیر معکوسی گذاشته است؛ اما استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بویژه فیس‌بوک و اینستاگرام، که در آنها امکان سطح گسترده‌تری از ارتباط و انتقال ارتباط جود دارد با بازنمایی از تصاویر غیرسنتی از زنان سبب افزایش بازنگری در نقش‌های جنسیتی شده‌اند؛ با این اوصاف امروزه نه تنها هویت افراد بلکه همه رفتارهای او، که تحت تأثیر هویت فرد است، ناشی از اموج اطلاعاتی است که بر فرد وارد می‌شود و کنش‌های افراد را، چه در جریان زندگی فردی، چه اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

گیدنز بازاندیشی را جزئی اساسی از فرایند تجددگرایی می‌داند؛ جایی که عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات جدید پیوسته تغییر می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۹)؛ اما دور شدن زنان از نقش‌های جنسیتی و بویژه نقش‌های جنسیتی مادری و همسری و رها بودن این نقش‌ها می‌تواند صدماتی به پیکره اجتماع وارد کند و انسجام جامعه و خانواده را در معرض خطر قرار دهد. از جانب دیگر نادیده گرفتن تحولات به‌وجود آمده و اصرار بر ایستایی اجتماعی خود می‌تواند خطرهای دیگری به همراه داشته باشد و سبب ایجاد آشفتگی و اختلال در جامعه و بویژه در خانواده شود؛ لذا لازم است جامعه با بومی کردن تغییرات براساس فرهنگ و ارزش‌های ملی و دینی و حفظ سازگاری با فرهنگ و ارزش‌های بنیادین، تغییرات را بپذیرد و با آن هماهنگ شود. هم‌چنین این موضوع در نظر گرفته شود که راهگشایترین تغییرات در هر جامعه تغییراتی است که متناسب با فرهنگ و باورهای نهادینه شده در آن جامعه به‌وجود آمده باشد.

#### منابع

اینگلهارت، رونالد؛ پپیا، نوریس (۱۳۷۸). مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.

آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۵). **تغییرات، چالشها و آینده خانواده ایرانی**. انتشارات تیسرا. برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت؛ هانسفرید، کلنر (۱۳۹۴). **ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی**. ترجمه محمد ساوجی. چ سوم. تهران: نشر نی.
- بستان، حسین (۱۳۸۸). **نقشهای جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی**، مجموعه مقالات هویت و نقشهای جنسیتی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت. چ هشتم.
- جلایی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جلال (۱۳۹۱). **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**. تهران: چ سوم. نشر نی.
- خرم‌پور، یاسین (۱۳۹۴). **مطالعه بازاندیشی اجتماعی در میان جوانان شهر یزد**. **جامعه‌شناسی کاربردی**. ش ۵۹: ۲۳ - ۳۸.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). **تفاوتها، هویت و نقشهای جنسیتی**، مجموعه مقالات هویت و نقشهای جنسیتی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- ساروخانی، باقر؛ رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). **عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان**. **پژوهش زنان**. دوره ۲. ش ۱: ۷۱ - ۹۱.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۰). **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**. ترجمه هادی جلیلی. چ سوم. تهران: نشر نی.
- شفایی‌مقدم، الهام (۱۳۹۰). **بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به طرحواره جنسیتی نقش زنان منطقه کاشان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، گروه جامعه‌شناسی.
- عبدالهیان، حمید (۱۳۸۳). **نسلها و نگرشهای جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرشهای جنسیتی**. **پژوهش زنان**. دوره ۲. ش ۳: ۵۷ - ۸۴.
- علیچانی، محبوبه (۱۳۹۴). **شکاف نسلی و بازاندیشی در نقشهای جنسیتی زنانه (مطالعه‌ای در شهر رشت)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۲). **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ترجمه حسین چاوشیان. چ سوم. ج ۲. انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلاوشکی، فرزانه (۱۳۸۸). **بازتعریف هویت اجتماعی زنان با تأکید بر نقشهای جدید آنها**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی. چ سوم: ۲۷۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). **پیامدهای مدرنیت**. ترجمه ثلاثی محسن. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). **فراسوی چپ و راست**. ترجمه ثلاثی محسن. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). **تجدد و تشخیص**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

- لازار، ژودیت (۱۳۸۰). *افکار عمومی*. ترجمه کتبی. مرتضی. تهران: نشر نی.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ احمدی، لیلا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری). *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۸، ش ۲: ۵۹ - ۸۲
- نیازی، محسن (۱۳۸۱). *تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان*. پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- Barber, J. S., & Axinn, W.G. (1998). Gender Role Attitudes and Marriage among Young Women, *the Sociological Quarterly*, 39, 1, 11-31.
- Break Well. GlynsM (1990). Social beliefs about gender difference in Colin Fraser and Gorge Gaskell. *The social Psychological Study of Widespread beliefs*, Oxford: Clarendon Press.
- Brewster, K and Padvic, I (2000). Change in Gender-Ideology 1977-1996: The Contributions of Intracohort Change and Population Turnover, *Journal of Marriage and the Family* 62: 477-487.
- Burt, M. (1991). Rape myths and acquaintance rape. In A. Parrot & L.Bechhofer (Eds), *Acquaintance rape: The hidden*. New York: Wiley. 26-40.
- Carr, J. L., & VanDeusen, K. M. (2004). Risk factors for male sexual aggression on college campuses. *Journal of Family Violence*, 19, 5, 279-289.
- Cunningham, M. (2008). Influences of gender ideology and housework allocation on women's employment over the life course, *Social Science Research*, 37, 254-267.
- Cunningham, M., Beutel, A.M., & et al. (2005). Reciprocal relationships between attitudes about gender and social contexts during young adulthood, *Social Science Research*, 34, 862-892.
- Fung Anthony and Eric Ma (2000). Formal value, Informal use of Television and sex role stereo typing in Hong Kong statistical data, *sex roles*, 42(1):57-81
- García-C. E, Francisco Javier Rodríguez-Díaz , Carolina Bringas-Molleda, Javier López-Cepero, Susana Paíno-Quesada, Luis Rodríguez-Franco. (2015). Development of the Gender Role Attitudes Scale (GRAS) amongst young Spanish people, *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 15, 1, 61:68.
- Gerson, K (1991). *Coping with commitment: dilemmas and conflicts of family life*, Wolfe, America at century's end, Berkeley: university of California press.
- Glick, P., Sakalli-Ugurlu, N., Ferreira, M. C., & Aguiar de Souza, M. (2002). Ambivalent sexism and attitudes toward wife abuse in Turkey and Brazil, *Psychology of Women Quarterly*, 26, 4, 292-297.
- Glover, D. & Sheelagh Strawbrid, Mohamad Tavakol. (2015) Translators: S.Behyan. H.HAJI heydari, J. MohamADI, M.Mehdizadeh, H.Malek, *The sociology of Knowledge & science*, Swmat.
- Guilbert, D.E. & Vacc, N.A. & Pasley, K. (2000). The relationship of gender beliefs, negativity, distancing, and marital instability *Journal of the family*, 8, 124.
- Heck, J. V. P., & Malamuth, N. M. (1983). Sex role stereotyping and reactions to depictions of stranger versus acquaintance rape. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, 344-356.
- Heilman, E (1998). The struggle for self power and identity in Adolescent Girls, *Youth & society*, 30, 2, 182-208.
- Horkheimer, M. (1972). *Critical Theory*, translated by Matthew J. Oconnell and others, Continuum: New York.
- Katz-Wise, S.L., & Priess, H.A and Hyde, J.S. (2010). Gender-role attitudes and behavior across the transition to parenthood, *American Psychological Association*, 46, 1, 18-28.



- Kulik, L. (2006). Personality profiles, life satisfaction and gender-role ideology among couples in late adulthood: The Israeli case, *Personality and Individual Differences* 40(2), 317-329.
- Lash, S., & Urry, J. (1994). *Economies of Signs and Space*. London: Sage Press..
- Liao, T. F., & CAI, Y. (1995). Socialization, life situations, and gender-role attitudes regarding the family among white American women. *Sociological Perspectives*, 38, 241-260.
- Longman, L. (2003). Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age. *Current Sociology*, 51(3-4), 223-247.
- Lovell, T. (2000). Thinking feminism with and against Bourdieu. *Feminist theory*. 1. 1, 11-32
- Moony, Linda A. David. Knox and Carolin Schacht (2002). *Understanding Social perables*. USA: Wadsworth Group.
- Murray, C. C (2009). Adolescent and adult reasoning about gender roles and fairness in Benin, West Africa, *Cognitive Development* , 24 (2009) 207-219.
- Parsons, T. (1995). *Family Socialization and Interaction Process*, NewYork. Penn Lendon. P & Silverstein. M (2012). Gender role ideology and life course transitions of baby-boom women, *Advances in Life Course Research*, 17 191-198.
- Turner, J.H. (2003) *the Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی